

پویش مهاجرت در جهان معاصر

می شود متفاوت است.

کشورهای صنعتی پیشرفته عموماً با مهاجرت های داخلی مساله سازی مواجه نیستند سهم نیروی کار بخش کشاورزی در این کشورها از سال های ۱۸۰۰ به بعد بطور پیوسته کاهش می یابد و در مقابل بر جمعیت شاغل در بخش های صنعت و خدمات افزوده می شود. به طور مثال در اروپا در سال ۱۸۰۰ از هر ۱۰ نفر شاغل ۸ نفر در بخش کشاورزی شاغل بوده اند.

این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۱/۶ نفر تقلیل یافت. سخن دیگر نسبت شاغلان بخش کشاورزی در اروپا از ۸۰ درصد در سال ۱۸۰۰ به ۱۶ درصد در سال ۱۹۶۱ کاهش یافت (۱) به این ترتیب طمیم است که حرکت جمعیتی از روستا به شهر یا حرکان جمعیتی میان شهرها و مناطق مختلف، در این کشورها نیز وجود دارد. منتها آهنگ افزایش طمیم جمعیت و نیز هماهنگی قابل ملاحظه میان بخش روستا و تعادل های موجود میان شهر و روستا و سیاست های اقتصادی مناسب مانع از شدت گرفتن حرکان انتقال جمعیت و در نتیجه غیر قابل کنترل شدن مهاجرت ها می شود. حرکات انتقالی از روستا به شهر در این کشورها عموماً با آهنگ افزایش مشاغل بخش های صنعت و خدمات اقتصاد شهری و گسترش سطح خدمات شهری (حمل و نقل شهری، ترافیک، بهداشت محیط و خدمات درمانی، برق، آب و خدمات ایمنی، برنامه ریزی توسعه شهری، خدمات آموزشی و ایجاد تفریحگاه و غیره) همراه است. شکلی از مهاجرت که در غالب کشورهای صنعتی پیشرفته مسئله اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید مهاجرت های خارجی به ویژه مهاجرت نیروی کار بین المللی به این کشورهاست. به طور مثال در سال ۱۹۷۸ در اروپای غربی در حدود ۱۰ میلیون مهاجر از جنوب اروپا و شمال آفریقا زندگی می کردند. در قاره آمریکا نیز لاقلاً ۳ تا ۴ میلیون نفر مهاجر غیر قانونی از اتباع مکزیک و سایر کشورهای آمریکای لاتین زندگی می کردند. (۲)

کشورهای سوسیالیستی با مسئله مهاجرت خارجی مواجه نیستند. مشکلات مهاجرتی در این کشورها منحصر است به خروج غیر قانونی اتباع یعنی فرار به کشورهای غربی از یک طرف و برنامه ریزی و مسائل مربوط به توزیع مجدد اجباری و کنترل شده جمعیت میان مناطق به حسب ضرورت های تولیدی از طرف دیگر. (۲)

در کشورهای در حال رشد به اعتبار افزایش سریع جمعیت در نتیجه بهبود وضع زندگی، امکانات بهداشتی و کاهش مرگ و میر و در نتیجه عملکرد نیروهای رانش و کشش شکل های مختلف

با برگزاری میزگرد مربوط به جمع بندی موضوع مهاجرت و چاپ آن در شماره حاضر، بحث در مورد مساله مهاجرت در این مرحله پایان می گیرد و اگرچه باب ادامه بحث باز خواهد بود، اما بازگشت دوباره به این موضوع را به زمانی دیگر می گذاریم.

مطلب کوتاه حاضر یکی دیگر از بخشهای گزارش «نگرشی کوتاه به مساله مهاجرت در ایران» نوشته آقایان محمد جواد زاهدی، مازندرانی، محمدرضا حسینی کازرونی و کریم درویشی است که به عنوان حسن ختام بحث، نگاهی کلی به پویش مهاجرت در جهان حاضر می اندازد.

با اندکی تقدم و تاخر بر حسب منطقه در طول قرن نوزدهم به اوج خود رسید. تا آنجا که در اثر افزایش جمعیت ده، موازنه آن بر هم خورد و از این پس دیگر ده قادر نبود کلیه احتیاجاتش را در داخل تامین کند، ناگزیر دروازه های بسته خود را به سوی دنیای خارج گشوده و سنت اکتفای به خود در روستاها شکسته شد. کارگران قبل از همه، راه شهرها را پیش گرفتند تا در کارخانه های جدیدالتاسیس به کار گمارده شوند. اندکی بعد تعداد زیادی از خواص ده را ترک کردند تا در دستگاه های دولتی استخدام شوند یا در زمینه های صنعتی سرمایه گذاری کنند. کارخانه ها با تولید کالا های صنعتی به قیمت ارزان با صنعتگران روستا نشین به رقابت برخاستند و نتیجه آن شد که دسته اخیر نیز به نوبه خود رو به شهرها نهادند. در این میان شهرهای کوچک نیز به سهم خویش شاهد رکود صنایع دستی و تحلیل قدرت بازرگانان خود بودند. کشاورزانی در ده باقی ماندند که پسرانشان نیز در جستجوی کار به شهرها رفته بودند. بدین ترتیب جوامع روستائی که جمعیتش به نصف و گاهی به یک سوم تقلیل یافته و محدود به گروه تولید کننده مواد کشاورزی شده بود، عظمت و تنوعش را که ضامن استقلال اجتماعی و فرهنگی اش بود از دست داد. گرچه چند صیاحی خانواده هائی سعی کردند استقلال اجتماعی دهات خالی از سکنه را حفظ نمایند، لکن کوشش آنها بی بهره بود. زیرا بزودی توسعه وسائل نقلیه انفرادی (دوچرخه، موتور سیکلت و اتومبیل وسعت تازه ای به محدوده قدیمی ده بخشید. همزمان با این تحولات تجارت و فعالیت های درجه سوم مثل حمل و نقل و بانکداری اهمیت خاص در زندگی روستائی به دست آورد و جان تازه ای در کالبد بی رمق شهرهای کوچک دمیده شد که از نیم قرن به این طرف شاهد زوال تدریجی نقش مرکزیت خود نسبت به روستاهای اطراف بودند. (۱: ۱۸۵)

در جهان معاصر در هر یک از سه گروه کشورهای پیشرفته صنعتی، سوسیالیستی و درحال رشد، شکل های غالب مهاجرت، طرز تلقی نسبت به مهاجرت و سیاست هائی که نسبت به آن اتخاذ

مهاجرت بشابه یک پویش اجتماعی ناشی از اقتصاد صنعتی، پدیده ای عمومی و مشترک در جهان معاصر به شمار می آید، اشکال مختلف این پدیده به صورت انواع مهاجرت های داخلی، آوارگی، مهاجرت های سیاسی، مهاجرت های غیر قانونی و مهاجرت نیروی کار بین المللی باشد و ضعف های مختلف از زمره مسائل اجتماعی کشورهای مختلف جهان، اعم از کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه داری کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جهان سوم به شمار می آید.

از لحاظ نظری مهاجرت در وجه کلی آن نوعی مکانیسم متعادل کننده منطقه ای در تعادل بخشی میان توزیع جغرافیائی نابرابر میان منابع قابل استفاده و جمعیت به شمار می آید. در اقتصاد عصر صنعت (جدا از درجه صنعتی بودن اقتصاد جوامع) مهاجرت ها بیش تر مهاجرت نیروی کار است. از لحاظ ماهیت، علل عمده این نوع مهاجرت بیشتر اقتصادی است. این علل از لحاظ انگیزشی در وجه کلی اقتصادی متأثر از نیازمندی های بخش های صنعت و خدمات اقتصاد شهری به نیروی کار و در وجه کلی اجتماعی، متأثر از ناهمگونی ها و عدم تعادل های منطقه ای به طور اعم و عدم تعادل های میان شهر و روستا به طور اخص است.

از لحاظ منشاء تاریخی، مهاجرت ناشی از شرایط و مقتضیات تمدن صنعتی، از انقلاب صنعتی اروپا در پایان قرن هفدهم و اوائل قرن هجدهم منشاء می گیرد. نیاز فزاینده کارخانه ها به ویژه صنعت کار بر نساجی در مراحل مقدماتی صنعتی شدن، که از ویژگی های آن پائین بودن سطح تکنولوژی و محدودیت درجه اتوماسیون تولید است، به نیروی کار نیروی مازاد موجود در روستاها را به سوی شهرها جلب کرده و در صنایع نوپای اقتصاد شهری جذب می کرد.

«ژرژ گورویچ» تصویری تاریخی از جریان مهاجرت ناشی از تضیح صنعت به دست می دهد که وجوهات آن را امروزه کم و بیش در بسیاری از کشورهای درحال توسعه از جمله ایران می توان دید. بنا به نظر گورویچ: «جمعیت مناطق روستائی

□ عدم تعادل منطقه‌ای را می‌توان محرک اصلی مهاجرت‌های داخلی دانست. این پدیده به موازات روند صنعتی با الگوی سرمایه‌داری پدیدار می‌شوند.

های تولیدی سرمایه داری در منطقه است چون: تغییر روش تولید، اخراج غیر مالکین، سلب مالکیت یا به طور کلی روش‌هایی که هدفش افزایش بازده کاری بوده که طبیعتاً تعداد اشتغال را پائین می‌آورد. مانند حصار بندی در انگلستان، توسعه دامپروری تجارتمندی در فلات آرژانتین و غیره. (ب) عوامل رکودی که معمولاً بصورت افزایش جمعیت روستاست در مقابل محدود ماندن کشت یا حجم تولید یا وجود مالکین فئودال و انحصار طلب و عواملی نظیر این‌ها.

از نظر اقتصادی عوامل تغییر دهنده در تناقص با عوامل رکودی بوده و در واقع جزئی از روند صنعتی هستند... عوامل تغییر دهنده باعث جریان‌های وسیع مهاجرتی شده و همان‌طور که گفته شد نتیجه بکارگرفتن روش‌هایی هستند که برای بالا بردن بازده تولیدی با شیوه‌های سرمایه‌داری بکار گرفته می‌شوند و همواره حاصل نوعی کاپیتالیسم تولیدی و تأثیرات جنسی آن می‌باشند. ولی عوامل رکودی که باعث مهاجرت جمعیت اضافی ناشی از ازدیاد نفوس اند، معمولاً از نظر تعداد مهاجرت وضع ثابتی داشته و در صورت شدت و ضعف جریان مهاجرتی آن تغییراتش بر موز زمان نسبتاً کند صورت خواهد گرفت. (۳: ۴۶ و ۴۷).

اجتماعی، فرهنگی و گاه سیاسی نیز به وجود می‌آورد. طی ۳۰ سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ جمعیت کشورهای در حال توسعه تقریباً دو برابر شده است. یعنی از ۱/۷ میلیارد نفر به ۳/۳ میلیارد نفر رسیده است. (۲: ۱۰۰) گسترش روز افزون شهرها به اعتبار مهاجرت روستائیان و نیز ظهور پدیده مهاجرت نیروی کار بین‌المللی از تجلیات بارز این افزایش به شمار می‌آید. جمعیت چندین شهر در کشورهای در حال توسعه به ۱۵ میلیون نفر رسیده است. کلکته، قاهره، سئول، بوتوس آیرس، جاکارتا و کراچی در سال ۲۰۰۰ پیش از ۱۵ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت. جمعیت شانگهای ۲۴ میلیون نفر، سانپولو ۲۶ میلیون نفر و مکزیکوسیتی بیش از ۳۰ میلیون نفر خواهد بود. (۳)

از سال ۱۹۵۰ شهرهای کشورهای افریقائی آسیائی و آمریکای لاتین رشدی معادل دو برابر رشد شهرهای اروپائی و آمریکای شمالی داشته و بعضی از شهرهای بزرگ سالانه رشدی برابر ۸ درصد داشته‌اند. با توجه به این میزان رشد، در کم‌تر از یک دهه جمعیت این شهرها دو برابر خواهد شد. حدود ۴۰ درصد این رشد در اثر مهاجرت و ۶۰ درصد آن نیز به دلیل زاد و ولد مهاجرین و افراد بومی ساکن شهرها بوده است.

به طور کلی جمعیت شهرهای کشورهای در حال توسعه که در سال ۱۹۵۰ کم‌تر از ۳۰۰ میلیون نفر بود در حال حاضر (۱۹۸۳) به یک میلیارد نفر رسیده است. (۲: ۱۰۰)

در جدول شماره (۱) به نقل از گزارش «مهاجرت، رشد جمعیت و توسعه»، جمعیت، نسبت شهرنشینی و میزان رشد مناطق شهری و روستائی در ۳۵ کشور جهان بازگو شده است. به طور کلی «عدم تعادل‌های منطقه‌ای را می‌توان محرک اصلی مهاجرت‌های داخلی دانست که به موازات روند صنعتی با الگوی سرمایه‌داری پدیدار می‌شوند... عواملی که باعث ترک آب و خاک مهاجرت مردم می‌شوند دو دسته‌اند: الف) عوامل تغییر دهنده یعنی عواملی که ناشی از به کار گرفتن روش

مهاجرت‌های داخلی به ویژه مهاجرت از روستا به شهر از زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی به شمار می‌آید در واقع رشد سریع جمعیت مهم‌ترین محرک مهاجرت از روستا به شهر است. در کشورهای جهان سوم افزایش جمعیت روستاها با توجه به محدودیت زمین‌های زراعی موجب کاهش سرانه تولید در بخش کشاورزی می‌شود. این وضع به گسترش شکاف موجود میان درآمد‌های شهری و روستائی دامن زده و در نتیجه موجب سیل مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود. مطالعات مختلف در باب مهاجرت در بسیاری از کشورهای جهان ثابت کرده است که افزایش تعداد کارگران، سطح پائین دستمزدها و تفاوت‌های آشکار میان سطح دستمزدهای شهری و روستائی نیز در شدت پخشیدن به سیل مهاجرت تأثیر مشابه دارند. مطالعه‌ای که در کلمبیا انجام شده بازگویی آن است که افراد جوان روستاها، تقریباً با همان نرخ که جمعیت روستاها رشد می‌کند آنجا را ترک می‌کنند. مطالعاتی که در کنیا، ترکیه و پاکستان انجام شده بازگویی ارتباط میان شدت مهاجرت و مقدار سرانه زمین در روستاهاست به سخن دیگر، میزان مهاجرت از روستاهائی که سرانه زمین زراعتی آنها کم‌تر است بیش از روستاهای دیگر است. (۲: ۱۰۰)

در غالب کشورهای در حال رشد، نرخ جابجائی جمعیت به مراتب بالاتر از نرخ جابجائی جمعیت از ده به شهر و نرخ رشد جمعیت شهری کشورهای صنعتی اروپائی است. در این کشورها چنانکه تاکنون اتفاق افتاده است از آنجا که بخش صنعت و خدمات اقتصادی شهری قادر به جذب همه جمعیت مهاجر نیست فرایند آزاد شدن نیروی انسانی از بخش کشاورزی و روستا و مهاجرت آن به شهر نه فقط ممکن است در مراحل مقدماتی عامل موثری در روند توسعه اقتصادی به شمار نیاید، بلکه غالباً در عمل با ایجاد دشواری‌های اجتماعی و اقتصادی بسیار در زمینه تأمین خدمات و تسهیلات زیربنائی مرده نیاز شهرها، نابسامانی‌های اقتصادی



به رغم آن که پویش مهاجرت های داخلی به ویژه از نوع مهاجرت از روستا به شهر در اکثر کشورهای درحال توسعه یک مسئله اجتماعی و نیز به اعتبار نگرانی های دستگاه های حکومتی یک مسئله سیاسی به شمار می آید، ولی اثرات مثبتی هم در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این کشورها دارد که غالباً توجه مهمی به آن نشده است. از دیدگاه نظری محتمل است که پویش مهاجرت های داخلی تاثیر مثبت و سازنده‌تری بر جریان صنعتی شدن توسعه در کشورهای جهان سوم داشته باشد از مسائلی مهم توسعه در کشورهای جهان سوم عدم یگانگی بخش عمده جمعیت با «اقتصاد بازار» است. در این قبیل جوامع غالباً فعالیت حدود نیمی از جمعیت به طور کلی یا به طور کامل تابع مکانیسم های بازار نیست و از قواعد خود معیشتی تبعیت می کند. این جریان از شکل گیری کامل بازار داخلی معانعت کرده و مانع از رشد و توسعه بنیان های

تولیدی و انباشت سرمایه در قلمرو تولیدات مختلف می گردد. این بخش خود معیشتی عموماً در روستاها مستقر بوده و با عملکرد «خود معیشتی» خود در حوزه تولید کشاورزی ساختار تولیدی جامعه را در سطح نازل و ناهمگونی نگاه می دارد. کوشش های با برنامه برای نوسازی چنین جوامعی به حسب مقاومت و جان سختی بنیان های تولیدی خود معیشتی (عموماً بخش کشاورزی روستاها) منجر به تجزیه و انفکاک اقتصاد جامعه به دو بخش «سنتی» و «جدید» می شود. بدون پویش مهاجرت داخلی و به ویژه مهاجرت از روستا به شهر نزدیکی و ادغام دو بخش سنتی و جدید غیر محتمل می نماید. در واقع پویش مهاجرت روستائی تعداد بیشتری از نیروی اسیر شده در بخش سنتی را آزاد ساخته و از طریق راندن آنان به شهر، موجب جذب آنان در اقتصاد بازار می گردد. کاملاً طبیعی است که ارتباط میان پویش

جدول شماره ۱ - جمعیت، نسبت شهرنشینی و میزان رشد سالانه مناطق شهری و روستائی در ۳۵ کشور جهان (کشورهای منتخب)

شرح	نام کشور	جمعیت و درصد شهرنشینی سال ۱۹۸۰		میانگین میزان رشد سالانه (در سال های ۸۰-۱۹۷۵)	
		جمعیت (به میلیون نفر)	درصد شهرنشینی	مناطق روستائی	مناطق شهری
آفریقا	اتیوپی	۳۱/۵	۱۴/۵	۱/۲	۶/۱
	کنیا	۱۶/۵	۱۴/۲	۳/۵	۷/۳
	نیجریه	۷۷/۱	۲۰/۴	۲/۷	۵/۵
	سنگال	۵۹/۳	۲۵/۴	۲/۳	۳/۵
	فریقای جنوبی	۲۹/۶	۴۹/۶	۲/۳	۴/۳
	سودان	۱۸/۴	۲۴/۸	۱/۶	۶/۷
آسیا	زئیر	۲۸/۳	۳۹/۵	۱/۳	۵/۳
	بنگلادش	۸۸/۲	۱۱/۲	۲/۴	۶/۷
	چین	۹۹۴/۹	۲۵/۷	۰/۸	۳/۲
	هند	۶۸۴/۵	۲۲/۲	۱/۶	۳/۴
	اندونزی	۱۴۸/۰	۴۰/۲	۱/۳	۳/۶
	جمهوری کره	۳۸/۵	۵۴/۸	-۱/۰	۴/۳
	پاکستان	۸۶/۹	۲۸/۲	۲/۳	۴/۲
	فیلیپین	۴۹/۲	۳۶/۲	۲/۱	۳/۸
	سری لانکا	۱۴/۸	۲۶/۶	۱/۰	۳/۷
	تایلند	۴۷/۱	۱۴/۴	۲/۲	۳/۵
خاورمیانه و شمال آفریقا	آرژانتین	۲۷/۰	۸۲/۴	-۰/۸	۱/۷
	برزیل	۱۲۲/۳	۶۷/۰	-۰/۵	۴/۰
	کلمبیا	۲۵/۸	۷۰/۲	-۰/۸	۳/۵
	کوبا	۹/۷	۶۵/۴	-۰/۶	۱/۷
	گواتمالا	۷/۳	۳۸/۹	۲/۴	۴/۰
	هائیتی	۵/۸	۲۴/۹	۱/۷	۴/۷
	مکزیک	۶۹/۸	۶۶/۷	-۰/۹	۴/۱
	ونزوئلا	۱۵/۶	۸۳/۳	-۰/۱	۴/۳
	الجزایر	۱۸/۹	۶۰/۹	۰	۵/۸
	مصر	۴۲/۰	۴۵/۴	۱/۹	۳/۴
کشورهای پیشرفته	ایران	۳۸/۱	۴۹/۹	۱/۳	۴/۹
	اردن	۳/۲	۵۶/۳	۲/۲	۴/۹
	سراکش	۲۰/۳	۴۰/۶	۲/۲	۴/۸
	عربستان	۹/۰	۶۶/۹	-۰/۲	۶/۸
	ترکیه	۴۵/۳	۴۷/۴	-۰/۸	۴/۴
کشورهای پیشرفته	استرالیا	۱۴/۵	۸/۸	-۱/۵	۱/۶
	فرانسه	۵۳/۵	۷۷/۹	-۲/۲	۱/۱
	ژاپن	۱۱۶/۶	۷۸/۲	-۱/۸	۱/۷
	آمریکا	۲۲۳/۲	۷۷/۰	-۰/۵	۱/۳

مهاجرت و روند توسعه صنعتی و نوسازی اقتصادی متضمن مسائل و مشکلاتی نیز باشد. از لحاظ نظر در شرایطی که اقتصاد ونحوه زندگی بخش مهم از جمعیت به صورت خود معیشتی است با کاهش پیشرفت و بهبود وضع بهداشتی و کم شدن درآمد و میر، رشد طبیعی جمعیت به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت. این اضافه جمعیت موجب رفتن جهشی نرخ مهاجرت خواهد شد. این وضعیت عملاً برنامه ریزی برای ایجاد مشاغل جدید را به اختلال می سازد و ناهمگونی های میان جمعیت رها شده از روستاها و قدرت جذب شهرها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی مسائلی را به وجود می آورد. مخالفان اثرات سازنده مهاجرت بر جریان صنعتی شدن کشورهای درحال رشد باتوجه به افزایش مشاغل خدماتی و بیکاری های پنهان از طریق فروشدگی دوره گرد، باربری، خدمتکاری خانگی ماشین شویی و غیره در اقتصاد شهری این کشورها ادعا می کنند که پویش مهاجرت روستائی در کشورهای عملاً بخش مهمی از مهاجرین را نسبت به اقتصاد شهر و بازار در حاشیه قرار خواهد داد حتی با پذیرش این ادعا نیز می توان گفت که در قبیل مسائل قابل حل از جمله زبان های کوچک است که کشورهای توسعه نیافته برای صنعتی شدن باید متحمل شوند.

از محمل های مهم توسعه، افزایش نسبت شهرنشینی و تحول ترکیب مشاغل در سطح اقتصاد و ایجاد تعادل های نسبی در سطح بخش در اقتصاد است. در هر یک از این موارد توجه توزیع جغرافیائی جمعیت یعنی وجود پویش مهاجرت، شرط لازم به شمار می آید. از لحاظ نظری شهرنشینی همواره توسعه تخصص ها، تحول تقسیم کار، تنوع حرفه و مشاغل و رشد مقیاس های تولیدی را به همراه دارد. وانگهی پویش مهاجرت از روستا از طریق آزاد سازی نیروی کار مازاد بخش کشاورزی موجب کاهش سهم بخش کشاورزی از کل نیروی شاغل و افزایش سرانه تولید در بخش کشاورزی می شود و از این طریق به صورت نوعی مکانیسم متعادل کننده در عرصه عدم تعادل های موجود میان بخش در اقتصاد است. عمل می کند. منتها غالب دولت در جهان سوم به اعتبار عدم توانائی اقتصاد شهری در بیکار گرفتن نیروی کار مهاجرین نسبت به اثرات سازنده پویش مهاجرت بدبینند. این بدبینی ناشی از مطالبات بدبینانه مربوط به امر مهاجرت در کشورهای مختلف جهان شده است. در اکثر انواع مطالعات مهاجرت داخلی بشما به یک عامل مخرب کشاورزی و یک خطر اجتماعی و سرانجام یک آفت اقتصادی نمایانده می شود. پیامد نگرانی و مطالعات بدبینانه اتخاذ سیاست های مختلف در زمینه مقابله با پدیده مهاجرت به روستا در کشورهای جهان سوم است.

- ۱- برنامه ریزی توسعه اقتصاد روستا در جهت ایجاد اشتغال و جاذبه دادن به زندگی روستائی.
- ۲- ایجاد محدودیت هائی در وضع مسکن شهری و استخدام.



صرف مخارج بیهوده برای مقابله با مهاجرت، در زمینه ایجاد مشاغل نوین در بخش صنعت و خدمات و نیز گسترش خدمات شهری سرمایه گذاری کنند. وانگهی در کشورهای جهان سوم برای غیرقابل کنترل شدن روند مهاجرت و نیز پیشگیری از اثرات انفجاری رشد جمعیت شهرها، لزوماً باید در زمینه کنترل رشد جمعیت سیاست های کارسازی اتخاذ شود.

منابع و مأخذ:

۱- گورویچ، آرون و دیگران. طرح مسئله جامعه شناسی امروز. ترجمه عبدالحسین نیک کهر. چاپخانه دانشگاه مشهد. سال ۱۳۴۷.

۲- Population Reports, Series M - Number 7. Sep. Oct. 1933, Special topics, Migration, Population Growth and development...

این اثر توسط خانم فریده سرحدی کارشناس مرکز تحقیقات روستائی به فارسی ترجمه شده است.

۳- پل سینجر. اقتصاد سیاسی شهرنشینی. ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی و فرخ حامیان گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ئی. نشر ایران. چاپ اول. مهرماه ۱۳۵۸

1- Karl Pisa
2- Theory of Population...
3- Ceres, F. A. O Reveiw on Agricultural and Development, No. 95. Sep. Oct. 1932-p.20.

□ نوع غالب مهاجرت‌های داخلی در کشورهای جهان سوم، یعنی مهاجرت از روستا به شهر در شرایط محدودیت منابع حیاتی در روستاها یک امر ناگزیر به شمار می آید.

□ در سال ۲۰۰۰ کلکته، قاهره، سنول، بوئنوس آیرس، جاکارتا و کراچی هر یک ۱۵ میلیون، شانگهای ۲۴ میلیون، سائوپولو ۲۶ میلیون و مکزیکوسیتی بیش از ۳۰ میلیون جمعیت خواهد داشت.

مهاجرت از روستا به شهر در شرایط محدود منابع حیاتی در روستاها (آب و زمین) یک امر ناگزیر به شمار می آید. نمی توان تردید داشت که راه مقابله با این جریان آنطور که در کشورهای جهان سوم تصور میشود توسل به اقدامات خشونت آمیز، ممانعت های قانونی و دشوارسازی عمدی شرایط زیست در شهرهای بزرگ نیست. بهترین راه مقابله با پویش مهاجرت آن است که آن را آزاد بگذارند تا جریان طبیعی و لازم خود را طی کند. و به جای

۲- کنترل جابجائی افراد به وسیله پروانه راجزهای قانونی.
۳- تمرکز زدائی در شهرهای بزرگ از طریق: - مهاجرت معکوس از شهرهای بزرگ. - ایجاد محرک هائی برای انتقال صنایع و کارگران به شهرهای کوچک. - سیاست های نونشائی برای حمایت روستاهای جدید یا اسکان های مرزی. - ایجاد شهرهای بزرگ. (۴: -)

ظاهراً وجود اجتماعات حاشیه نشین از لحاظ سخن از قبیل حلبی آبادها، آلونک ها، زاشه ها و کپرها و غیره) در غالب شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم (به ویژه کشورهای امریکای لاتین که مهد اصلی این قبیل مطالعات مربوط به پدیده مهاجرت است) مهم ترین محلی است که پژوهشگران به اعتبار آن پویش مهاجرت را بصورت نوعی مشکل اجتماعی مطرح می کنند. در تحلیل نهائی، چنین برداشت هائی غالباً منجر به مخالفت با شدت جریان توسعه و محدود ساختن جریان ورود و به کارگیری تکنولوژی مدرن می شود. البته ناهماهنگی میان سرعت توزیع مجدد جمعیت از طریق مهاجرت از یک سو و آهنگ توسعه اقتصادی یا به سخن دیگر شدت جریان جذب نیروی کار در اقتصاد شهری از سوی دیگر نیز در شکل گیری چنین داوری هائی موثر است. مهاجرت اساساً نوعی مکانیسم متعادل کننده منطقه‌ئی میان توزیع جغرافیائی جمعیت و امکانات زندگی است. به این اعتبار نوع غالب مهاجرت های داخلی در کشورهای جهان سوم یعنی